

ماهیت حقوقی وجوه پرداختی به بازماندگان مستخدم متوفی از منظر رابطه با ماترک و ارث

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵

محمد نکوئی^۱

چکیده

ماهیت حقوقی وجوهی که طبق مقررات به وراثت قانونی مستخدم متوفی پرداخت می‌شود، از حیث محسوب نشدن آنها به‌عنوان جزئی از ماترک متوفی و در نتیجه، خروج از شمول احکام مربوط به ارث یا تلقی آنها به‌عنوان جزء ماترک و در نهایت تبعیت از مقررات ارث و آثار مترتب بر آن، محل بحث است. در این مقاله به این سؤال پاسخ داده می‌شود که کدام‌یک از وجوه پرداختی به بازماندگان مستخدم متوفی ماهیتاً جزء ماترک نبوده، از شمول احکام مربوط به ارث خارج است و بر اساس مقررات قانون استخدام کشوری به صورت مساوی و برحسب ضوابط قانون تأمین اجتماعی به نسبت مقرر به بازماندگان واجد شرایط متوفی تعلق می‌گیرد و کدام‌یک از آنها ماهیتاً جزء ماترک محسوب شده، برابر مقررات ارث بین وراثت تقسیم می‌گردد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بخشی از وجوه پرداختی به بازماندگان متوفی مانند حقوق وظیفه، پاداش پایان خدمت و وجه بیمه عمر، جزء ماترک نبوده و خارج از احکام مربوط به ارث است و بر اساس قوانین مربوط به‌طور مساوی یا به نسبت مقرر به بازماندگان واجد شرایط متوفی تعلق می‌گیرد. بخشی از وجوه پرداختی نیز مانند وجوه مربوط به مطالبات مالی مستخدم در ایام خدمت و حیات وی، شامل وجوه اضافه کار، تشویقی، کارانه، حق مأموریت و وجوه مرخصی‌های استحقاقی ذخیره‌شده، ماهیتاً ترکه و تابع احکام خاص ارث بوده و برابر مقررات ارث بین وراثت تقسیم می‌گردد که این موضوع در مقاله حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و با روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: ارث، بازماندگان متوفی، قانون استخدام کشوری، قانون تأمین اجتماعی، ماترک، مستخدم متوفی، وجوه پرداختی.

مقدمه

در صورت فوت مستخدم از کارافتاده، بازنشسته، رسمی، خواه به حد بازنشستگی رسیده یا نرسیده و فوت به سبب انجام وظیفه، طبق مقررات قانون استخدام کشوری و قانون تأمین اجتماعی، حسب مورد وجوه مربوط به حقوق وظیفه و مستمری، پاداش پایان خدمت، بیمه عمر، مطالبات مالی مستخدم در ایام خدمت و حیات وی، با رعایت شرایط مقرر به بازماندگان او تعلق می‌گیرد. وراثت قانونی مستخدم متوفی به موجب ماده ۸۶ قانون استخدام کشوری عبارت‌اند از: فرزندان و زوج یا زوجۀ دائمی و مادر و پدری که در کفالت متوفی بوده‌اند. همچنین نوادگانی که پدرشان فوت شده است و در کفالت مستخدم متوفی بوده‌اند با دارا بودن شرایط زیر:

الف- فرزندان و نوادگان ذکور. مطابق بند ۳ ماده ۴۸ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱، فرزندان ذکور تا بیست سالگی و بعد از آن منحصرأ در صورتی که معلول، از کارافتاده یا نیازمند باشند یا اشتغال به تحصیلات دانشگاهی داشته باشند، حسب مورد از کمک هزینه اولاد، بیمه و مستمری بازماندگان یا حقوق وظیفه والدین خود برخوردار می‌گردند.

ب- فرزندان و نوادگان اناث. برابر بند ۳ ماده ۴۸ قانون حمایت خانواده، فرزندان اناث در صورت نداشتن شغل یا شوهر، حسب مورد از کمک هزینه اولاد، بیمه و مستمری بازماندگان یا حقوق وظیفه والدین خود برخوردار می‌گردند.

پ- مادر متوفی به شرط نداشتن شوهر

ت- عیال دائمی متوفی. طبق بند (۱) ماده ۴۸ قانون حمایت خانواده، ازدواج وی مانع دریافت حقوق مذکور نمی‌شود.

ث- شوهر در صورتیکه علیل و از کار افتاده و تحت کفالت عیال متوفای خود بوده باشد.

ج- فرزندان و نوادگان علیل یا ناقص العضو مستخدم متوفی که قادر به انجام کار نباشند مادام‌العمر.

در قانون تأمین اجتماعی، بازماندگان واجد شرایط بیمه‌شده متوفی و چگونگی پرداخت مستمری به آنان، در مواد ۸۰ تا ۸۳ پیش‌بینی شده است. طبق ماده ۸۰ قانون تأمین اجتماعی، بازماندگان واجد شرایط بیمه‌شده متوفی، در صورت فوت بیمه‌شده، مستمری بازماندگان را دریافت خواهند داشت. مطابق ماده ۸۱ قانون تأمین اجتماعی، بازماندگان واجد شرایط متوفی که استحقاق دریافت مستمری را خواهند داشت، عبارت‌اند از:

الف- عیال دائم بیمه‌شده متوفی. طبق بند (۱) ماده ۴۸ قانون حمایت خانواده، ازدواج وی مانع دریافت حقوق مذکور نمی‌شود.

ب- فرزندان متوفی. طبق شرایط مقرر در بند ۳ ماده ۴۸ قانون حمایت خانواده.

پ- پدر و مادر متوفی. در صورتی که اولاً تحت تکفل او بوده ثانیاً سن پدر از شصت سال و سن مادر از پنجاه و پنج سال تجاوز کرده باشد و یا آن که به تشخیص کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ این قانون از کارافتاده باشند و در هر حال، مستمری از سازمان دریافت ندارند.

سؤال این است که وجوهی که با رعایت شرایط مقرر به وراثت قانونی تعیین شده در ماده ۸۶ قانون استخدام کشوری و مواد ۸۱ و ۸۲ قانون تأمین اجتماعی پرداخت می‌شود، آیا ماهیتاً جزء ماترک متوفی و تابع احکام ارث است؟ وجوه پرداختی به چه نسبتی باید بین بازماندگان تقسیم شود؟ محسوب شدن وجوه پرداختی به بازماندگان متوفی به‌عنوان جزئی از ماترک متوفی این نتیجه را در پی دارد که تقسیم آن بین ورثه طبق احکام ارث صورت گرفته، در برابر دیون متوفی قابل توقیف خواهد بود. اگر وجوه پرداختی به بازماندگان متوفی به‌عنوان جزئی از ماترک متوفی محسوب نشود، طبق ماده ۸۷ قانون استخدام کشوری، به تساوی و مطابق ماده ۸۳ قانون تأمین اجتماعی، به نسبت همسر یا همسران بیمه‌شده ۵۰ درصد و در صورت تعدد همسر، تقسیم ۵۰ درصد مستمری به تساوی بین آنان، هر فرزند ۲۵ و پدر و مادر نیز ۲۰ درصد مستمری استحقاقی بیمه به بازماندگان واجد شرایط متوفی تعلق می‌گیرد و در صورت ماترک محسوب نشدن، فقط به بازماندگان موردنظر در ماده ۸۶ قانون استخدام کشوری و مواد ۸۱ و ۸۲ قانون تأمین اجتماعی قابل پرداخت بوده، در برابر دیون متوفی قابل توقیف نخواهد بود.

بنابراین، هرکدام از دو نوع رویکرد مورد اشاره نسبت به ماهیت وجوه متعلقه و سهم وراثت قانونی متوفی، آثار خاص خود را دارد و به این موضوع در برخی تألیفات و مقالات به صورت کلی، پراکنده و بدون تفکیک مصادیق آن اشاره شده است. در نتیجه، تبیین ماهیت حقوقی وجوه پرداختی به بازماندگان مستخدم متوفی و احکام خاص هرکدام از دو نوع رویکرد، به جهت تأثیر آن در سهم وراثت و محرومیت آنان از دریافت وجوه پرداختی به مستخدم متوفی، ضرورت بحث حاضر را نشان می‌دهد. نوشته حاضر از آن جهت اهمیت پیدا می‌کند که دعاوی مربوط به چگونگی تقسیم وجوه پرداختی به بازماندگان مستخدم متوفی و آثار مترتب بر آن، از جهت قابلیت توقیف در قبال بدهی مستخدم متوفی، بخشی از دعاوی مطروحه در محاکم حقوقی را به خود اختصاص داده است.

به‌منظور پاسخ به سؤالات این پژوهش در خصوص ماهیت وجوه پرداختی به وراثت قانونی مستخدم متوفی و آثار آن نسبت به سهم وراثت، ماهیت حقوقی وجوه پرداختی به بازماندگان همراه با احصای مصادیق و آثار آن، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و با روش توصیفی-تحلیلی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. به همین منظور، در بخش نخست، ملاک تشخیص ماترک و آثار مترتب بر آن و در بخش دوم، ماهیت حقوقی حقوق وظیفه، پاداش پایان خدمت، وجه بیمه عمر و سایر وجوه پرداختی به بازماندگان مستخدم متوفی از منظر رابطه آنها با ماترک متوفی و ارث و آثار مترتب بر احتساب یا عدم احتساب آنها به‌عنوان جزء ماترک مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، در پایان نیز نتیجه پژوهش بیان می‌شود.

۱. ملاک تشخیص ماترک و آثار مترتب بر آن

ارائه ملاکی برای تشخیص ماترک از غیر ماترک می‌تواند نقش مهمی در تحلیل ماهیت حقوقی وجوه پرداختی به بازماندگان مستخدم متوفی از منظر رابطه با ماترک و ارث و آثار مترتب بر آن داشته باشد.

بر اساس تعریف ترکه یا ماترک، میراث میت از اموال و حقوق^۲ که در حین فوت دارا

۲. محمدجعفر جعفری لنگرودی، ارث، (تهران: کتابخانه گنج دانش، تهران، چ ۲، ۱۳۶۹)، ص ۲۲.

می‌باشد^۳، یا کلیه اموال و حقوق مالی مورث که پس از فوت وی به مالکیت ورثه منتقل می‌شود^۴. یکی از ملاک‌های تشخیص ماترک، مالکیت متوفی بر اموال باقی‌مانده در حین فوت است که در این صورت، به موجب ماده ۸۶۷ قانون مدنی، به سبب موت حقیقی یا موت فرضی، از مالکیت او خارج و به ورثه می‌رسد و برابر قانون ارث بین وراثت تقسیم می‌شود. طبق این ملاک، یکی از شرایط لازم برای ارث بردن وراثت در کنار شرایط دیگر^۵ این است که اموال منقول و غیرمنقول باقی‌مانده از متوفی در حین فوت، حتی یک لحظه قبل از فوت در مالکیت او باشد. در این صورت، اموال باقی‌مانده متوفی ماهیتاً جزء ماترک بوده، متعلق به ورثه قانونی و حین‌الفوت است و به این اعتبار، به‌عنوان جزئی از ماترک بوده، تقسیم آنها بین وراثت طبق احکام ارث و به نسبت متفاوت صورت می‌گیرد.

لذا طبق ملاک ارائه‌شده برای تشخیص ماترک از غیر ماترک، باید گفت که اگر بعد از فوت کارمند، وجوه و حقوق مربوط به کارمندی وی مستقیماً در مالکیت ورثه قرار نگیرد، بلکه حتی یک لحظه قبل از فوت در مالکیت کارمند مستقر شده یا به‌عنوان طلب زمان حیات کارمند یا کارگر متوفی محسوب شود، در این صورت، ماهیتاً جزء ماترک و متعلق به ورثه قانونی و حین‌الفوت است و باید طبق مقررات ارث به ورثه وی پرداخت شود^۶ و تقسیم بین آنها به نسبت متفاوت صورت گیرد.

چنانچه تعلق اموال و حقوق باقی‌مانده بعد از فوت کارمند مستقیماً به ورثه صورت پذیرد، از شمول ماترک مستخدم متوفی و احکام مربوط به آن خارج است، زیرا متعلق به متوفی نیست تا به‌عنوان جزئی از ماترک، تقسیم آنها بین وراثت طبق احکام ارث و به نسبت متفاوت صورت گیرد. بلکه این‌گونه اموال و حقوق، خارج از ماترک و مقررات قانون مدنی

۳. حسن امامی، حقوق مدنی، (کتاب‌فروشی اسلامی، ج ۲، ۱۳۶۲)، ص ۱۹۸.

۴. سید محمد مهدی قبولی درافشان و سید محمد هادی قبولی درافشان، «بررسی فقهی حقوقی ترکه پس از فوت متوفی»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ش ۷ (۱۳۹۲)، ص ۱۵۱.

۵. برای ارث بردن وجود شرایطی لازم است: ۱. فوت مورث، ۲. زنده بودن وارث، ۳. اسباب و موجبات ارث؛ مانند نسب و سبب، ۴. وجود ترکه، ۵. تعلق نگرقتن حق و دینی به ترکه، ۶. نبودن موانع ارث.

۶. نظریات شماره ۷/۹۸/۱۲۳۹ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۲، شماره ۸/۱۱۲ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۸ و شماره ۷/۳۳۲ مورخ ۱۳۸۴/۲/۱۱ اداره حقوقی قوه قضائیه.

راجع به ارث متوفی بوده و مطابق قوانین و مقررات مربوط مانند بند ۱۶ ماده ۲ قانون تأمین اجتماعی برای تأمین معیشت ورثه پرداخت می‌شود. لذا اموال و حقوق باقی‌مانده بعد از فوت کارمند، طبق ماده ۸۷ قانون استخدام کشوری به‌طور مساوی و طبق ماده ۸۳ قانون تأمین اجتماعی به نسبت مقرر در آن ماده به بازماندگان واجد شرایط تعلق می‌گیرد^۷ که به‌موجب این ماده، به نسبت همسر یا همسران بیمه‌شده ۵۰ درصد و در صورت تعدد همسر، تقسیم ۵۰ درصد مستمری به تساوی بین آنان، هر فرزند ۲۵ درصد و پدر و مادر نیز ۲۰ درصد مستمری استحقاقی بیمه بین بازماندگان واجد شرایط تقسیم خواهد شد، نه بر اساس قواعد ارث و در بین همهٔ وراث^۸؛ زیرا این وجوه اصلاً متعلق به متوفی نیست تا اینکه کسی از آن به‌عنوان جزئی از ماترک ارث ببرد.

اگر ماهیت وجوه پرداختی به بازماندگان مستخدم متوفی از حیث ماترک بودن آن و در نتیجه تبعیت از احکام ارث مورد تردید باشد، به استناد اصل تقسیم به تساوی، به صورت مساوی بین ذی‌نفعان تقسیم خواهد شد، نه بر اساس قواعد و قوانین مربوط به ارث و به صورت متفاوت؛ زیرا تقسیم بر اساس قواعد و قوانین مربوط به ارث و به صورت متفاوت، و ترجیح بلامرجه هر یک از وراث بر دیگری، بی‌دلیل و باطل خواهد بود^۹.

یکی از آثار مترتب بر شناسایی وجوه پرداختی به بازماندگان به‌عنوان ماترک، امکان توقیف آنها در قبال بدهی کارمند متوفی است؛ زیرا طبق ماده ۲۳۵ قانون امور حسبی دیون و حقوقی که به‌عهده متوفی است، باید از ترکه داده شود. در این صورت، امکان توقیف آنها در مقابل دین یا محکومیت متوفی و پرداخت مهریه از طریق وجوه پرداختی به بازماندگان وجود خواهد داشت. ولی اگر وجوه پرداختی به بازماندگان عنوان ماترک نداشته باشد، از شمول مقررات ارث خارج و در قبال بدهی کارمند متوفی، از جمله مهریه، قابل توقیف نخواهد بود. در نتیجه، توقیف آنچه جزء ترکه محسوب نمی‌شود، از قبیل حقوق وظیفه و

۷. نظریه شماره ۷/۴۸۳۳ مورخ ۱۳۷۵/۸/۶ اداره حقوقی قوه قضاییه.

۸. ممکن است برخی بازماندگان به دلیل تحت تکفل نبودن، حق دریافت مستمری را نداشته باشند، ولی به‌عنوان ورثه از اموال متوفی ارث ببرند.

۹. مستفاد از گزارش کارشناسی شماره ۲۵۸ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱ مرکز پژوهش‌های مجلس درباره طرح استفساریه ماده ۲۴ قانون بیمه، پیوست مخصوص صحن علنی مجلس، ۹۱/۱۰/۱۹، ص ۲.

مستمری وراثت متوفی برای دین متوفی یا در ازای پرداخت دینی که متوفی پرداخت آن را ضمانت کرده است، جواز قانونی ندارد؛ مگر آنکه مربوط به شخص ورثه باشد که در این صورت، طبق تبصره ۱ ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی، توقیف و کسر یک چهارم حقوق وظیفه افراد موضوع این ماده، جایز است.

۲. ماهیت حقوقی وجوه پرداختی به بازماندگان مستخدم متوفی

بر اساس ملاک‌هایی که برای تشخیص ماترک از غیر ماترک در بخش نخست ارائه گردید، در این بخش، ماهیت حقوقی وجوه پرداختی به بازماندگان از منظر رابطه آنها با ماترک و ارث مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۲.۱. حقوق وظیفه و مستمری بازماندگان

در قانون استخدام کشوری، حقوق وظیفه مستمری ثابتی است که در دو حالت از کارافتادگی مستخدم در قید حیات، به خود وی به‌عنوان حقوق وظیفه از کارافتادگی و در صورت فوت مستخدمان به وراثت قانونی آنان به‌عنوان حقوق وظیفه وراثت و تحت شرایط زیر پرداخت می‌شود:

الف) در صورت فوت مستخدم از کارافتاده (وظیفه‌بگیر)، موضوع تبصره ۲ ماده ۷۹ و تبصره ماده ۸۰ قانون استخدام کشوری، تمام حقوق وظیفه از کارافتادگی که مستخدم قبل از فوت دریافت می‌داشته است، به‌عنوان حقوق وظیفه وراثت، به‌موجب اصلاحات موضوع ماده ۶ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی مصوب ۱۳ اسفند ۱۳۶۸ و بند «پ» ماده واحده قانون اصلاح قوانین و مقررات بازنشستگی مصوب ۲۵ بهمن ۱۳۷۴ و قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات بازنشستگی مصوب ۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۹، با رعایت شرایط قانونی به وراثت وی تعلق می‌گیرد.

ب) در صورت فوت مستخدم رسمی، خواه به حد بازنشستگی رسیده یا نرسیده باشد، مستخدم متوفی در تاریخ فوت، طبق ماده ۸۱ قانون استخدام کشوری، بازنشسته محسوب و حقوق بازنشستگی او به‌عنوان حقوق وظیفه به وراثت قانونی وی پرداخت خواهد شد. در صورتی که سنوات خدمت مستخدم موضوع این ماده از پانزده سال کمتر باشد مدت خدمت او پانزده سال محسوب خواهد شد.

ج) در صورت فوت مستخدم رسمی به سبب انجام وظیفه، موضوع ماده ۸۳ قانون استخدام کشوری، طبق ماده ۸ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی مصوب ۱۳ اسفند ۱۳۶۸ و بند «ب» ماده واحده قانون اصلاح قوانین و مقررات بازنشستگی مصوب ۲۵ بهمن ۱۳۷۴ و ماده ۸ قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مصوب ۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۹، آخرین حقوق و مزایای مشمول کسور بازنشستگی مستخدم با احتساب ۲ گروه بالاتر قبل از فوت که حسب مقررات پرداخت می‌گردد، به‌عنوان حقوق وظیفه به وراث قانونی وی پرداخت خواهد شد.

د) در صورت فوت مستخدم بازنشسته، موضوع ماده ۸۲ قانون استخدام کشوری، تمام حقوق بازنشستگی او به‌عنوان حقوق وظیفه، به‌موجب اصلاحات موضوع ماده ۶ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی مصوب ۱۳ اسفند ۱۳۶۸ و بند «پ» ماده واحده قانون اصلاح قوانین و مقررات بازنشستگی مصوب ۲۵ بهمن ۱۳۷۴ و قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات بازنشستگی مصوب ۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۹ به وراث قانونی وی پرداخت خواهد شد. در قانون تأمین اجتماعی نیز بازماندگان واجد شرایط بیمه‌شده متوفی مطابق شرایط مقرر در ماده ۸۳ قانون، مستمراً دریافت خواهند داشت.

طبق یک دیدگاه، حقوق وظیفه وراث موضوع قانون استخدام کشوری و مستمراً بازماندگان موضوع قانون تأمین اجتماعی، ماهیت ترکیه داشته، در نتیجه تابع احکام و قواعد خاص ارث خواهد بود. زیرا از حقوق ماهیانه مستخدم مبلغی کسر می‌شود تا پس از بازنشستگی یا فوت او پرداخت شود. در این صورت، حقوق وظیفه پس‌انداز بوده و ماترک محسوب می‌شود و باید پس از فوت به کلیه وراث پرداخت شود. علاوه بر این، با عنایت به مواد ۷۱ و ۷۲ و ۱۰۰ قانون استخدام کشوری، می‌توان گفت حقوق بازنشستگی و وظیفه‌ای که به بازنشستگان یا به بازماندگان آنان پرداخت می‌شود، وجوه رایگان و بلاعوض نیست بلکه مستمراًهای یادشده در حقیقت، وجوهی است که مطابق شرایط مقرر در قانون، در مدت خدمت کارمندان به‌عنوان کسور از حقوق و مقرری آنها برداشت و برای زمان پیری و بازنشستگی و کارافتادگی آنها در صندوق مخصوصی پس‌انداز می‌شود.^{۱۰} بنابراین، آنچه به او بازگردانده می‌شود، تماماً یا بخشی از همان است که به نام وی و از حاصل تلاش دوران

۱۰. منوچهر طباطبایی مؤتمنی، حقوق اداری، (تهران: انتشارات سمت، چ ۱۰، ۱۳۸۴)، ص ۲۰۵.

خدمت خود او در آن صندوق نگهداری شده است و مخصوصاً در فرضی که دولت به مستخدم، در واریز وجوهی به نام وی، به صندوق بازنشستگی کمکی نکرده باشد، همه آنچه در آن صندوق ذخیره می‌شود از آن مستخدم خواهد بود. پس صندوق متعهد است تا وجوه واریزی هر شخص را طی مقررات خاصی، در دوران بازنشستگی به خود او بازپس دهد.^{۱۱}

این دیدگاه به دلایل زیر قابل پذیرش به نظر نمی‌رسد:

نخست اینکه اگر وجوه پرداختی به ورثه متوفی از محل ذخیره پس‌انداز او در طی مدت خدمت باشد، باید این مبلغ مشخص بوده و تفاوتی نسبت به موارد مشابه نداشته باشد. درحالی که مبالغ پرداختی حسب موارد، متفاوت است و به عبارتی، مبالغ دریافتی دقیقاً با مبالغ ذخیره‌شده مطابق نیست.^{۱۲} با کسور بازنشستگی که مستخدمان کشور در مدت ۳۰ سال خدمت می‌پردازند، به طور متوسط می‌توان سه سال و هشت ماه حقوق بازنشستگی مستخدم را پرداخت کرد. ولی مستخدمانی که در سن ۵۵ سالگی بازنشسته می‌شوند، با توجه به بالا رفتن سال‌های زندگی، حد متوسط، ۱۵ سال دیگر بعد از بازنشسته شدن زندگی خواهند کرد. لذا حقوق بازنشستگی از سرمایه‌گذاری به دست نمی‌آید. بیمه هم نیست، بلکه ریشه حقوق بازنشستگی ناشی از قانون است؛^{۱۳} بنابراین، حقوق وظیفه پرداختی دولت به ورثه متوفی نیز ناشی از سرمایه‌گذاری و بیمه نبوده، بلکه ناشی از قانون است و تنها از محل کسور حقوق زمان خدمت نیست که در زمان بازنشستگی به خود مستخدم و پس از فوت او به وراثت پرداخت می‌شود.

دوم، حقوق وظیفه در واقع، کمکی است به بازماندگان به مناسبت خدمات متوفی^{۱۴} و برای جلوگیری از بروز اختلال و عسر و حرج در تأمین معاش خانواده تحت تکفل پس از فوت و قطع حقوق ماهانه او^{۱۵}. لذا طبق ملاک ارائه‌شده برای تشخیص ماترک از غیر

۱۱. حمید مسجدرائی و، مصطفی جبّاری، «درآمدی بر ماهیت فقهی حقوقی مستمری»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ش ۴۹ (۱۳۹۵)، ص ۱۳۵.

۱۲. مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، گنجینه آرای فقهی-قضایی، سؤال ۵۷۴۵، نقل از: <https://pasokhgo.valiasr-aj.com>

۱۳. عبدالحمید ابوالحمد، حقوق اداری/ایران، ج ۲، (تهران: انتشارات طوس، ج ۸، ۱۳۸۸)، صص ۳۲۷ و ۳۳۴-۳۳۵.

۱۴. حسب بند ۱۶ ماده ۲ قانون تأمین اجتماعی: مستمری عبارت از وجهی است که طبق شرایط مقرر در این قانون به منظور جبران قطع تمام یا قسمتی از درآمد به بیمه شده و در صورت فوت او برای تأمین معیشت بازماندگان وی به آنان پرداخت می‌شود.

۱۵. دادنامه شماره ۱۵۳ مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.

ماترک، از حیث استقرار مالکیت متوفی بر حقوق وظیفه در حین فوت یا مالکیت مستقیم ورثه بر آن بعد از فوت وی، باید گفت که حقوق وظیفه و مستمری، بعد از فوت کارمند به طور مستقیم در ملکیت ورثه مستقر می‌شود و اصلاً متعلق به متوفی نیست تا اینکه کسی از آن به عنوان جزئی از ماترک ارث ببرد. به همین جهت مستحقان باید آن را به تساوی قسمت کنند (در مورد مضمولین قانون تأمین اجتماعی مطابق با نسبت مقرر در ماده ۸۳ قانون یادشده) نه بر طبق قواعد ارث^{۱۶} و طلبکار از متوفی نیز نمی‌تواند آن را به سود خود توقیف کند. همچنین، برای تعیین میزان ثلث و اندازه موصی به، در مواردی که وصیت به حصه مشاع از ترکه می‌شود، این حقوق در محاسبه میزان ترکه در بخش اموال و حقوق نمی‌آید.^{۱۷}

بر این اساس، طبق تبصره بند ۱ ماده ۴۸ قانون حمایت خانواده، اگر متوفی چند زوجه دائم داشته باشد، حقوق وظیفه یا مستمری به تساوی بین آنان و سایر وراث قانونی تقسیم می‌شود. همچنین، برابر بند ۴ ماده ۴۸ قانون حمایت خانواده، حقوق وظیفه یا مستمری زوجه دائم و فرزندان و سایر وراث قانونی کلیه کارکنان شاغل و بازنشسته مطابق ماده ۸۷ قانون استخدام کشوری و با لحاظ ماده ۸۶ همان قانون و اصلاحیه‌های بعدی آن، مساوی تقسیم و پرداخت می‌گردد، نه بر اساس قواعد و قوانین موجود ارث و بین همه وراث. همچنین، طبق بند ۱ ماده ۲۴ قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی ۳۱ تیر ۱۳۹۴، به وجوه بازنشستگی و وظیفه و پس‌انداز خدمت و مزایای پایان خدمت، مطالبات مربوط به خسارت اخراج، بازخرید خدمت و مرخصی استحقاقی استفاده نشده و بیمه‌های اجتماعی و نیز وجوه پرداختی از سوی مؤسسات بیمه یا بیمه‌گذار و یا کارفرما از قبیل انواع بیمه‌های عمر و زندگی، خسارت فوت و همچنین دیه و مانند آنها که حسب مورد یکجا و یا به طور مستمر به ورثه متوفی پرداخت می‌گردد، مالیات بر ارث تعلق نمی‌گیرد.

سوم، شواهدی چون لزوم تحت تکفل بودن عائله مستخدم برای دریافت حقوق استخدامی متوفی موضوع مواد ۸۶ قانون استخدام کشوری، بند ۲ ماده ۱۱۱ قانون مدیریت

۱۶. ممکن است برخی از بازماندگان به دلیل تحت تکفل نبودن، حق دریافت مستمری را نداشته باشند، ولی به عنوان ورثه از اموال متوفی ارث ببرند.

۱۷. ناصر کاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق ملنی (ثفغه، وصیت، ارث)، (تهران: نشر دادگستر، چ ۲، ۱۳۸۰)، ص ۱۳۰.



خدمات کشوری و ماده ۷ قانون برقراری حقوق وظیفه از کارافتادگی و وظیفه عائله تحت تکفل جانبازان و شهدای انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و پرداخت حقوق و مزایای مجروحان جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی، ماده ۹ قانون پیش گفته و تقسیم برابر حقوق وظیفه به وراثت قانونی متوفی موضوع ماده ۸۷ قانون استخدام کشوری، مثبت عدم انطباق احکام مربوط به حقوق استخدامی متوفی با احکام مربوط به ارث است.^{۱۸} مواد ۸۱ و ۸۲ قانون تأمین اجتماعی، مبنی بر لزوم تحت تکفل بودن عائله و پدر و مادر بیمه شده متوفی برای دریافت مستمری بازماندگان و تقسیم آن بین بازماندگان مطابق ماده ۸۳ قانون تأمین اجتماعی، نشان می‌دهد که از نظر قانون گذار مستمری بازماندگان تابع قواعد و احکام مربوط به ارث نیست.

چهارم، از نگاه قانون استخدام کشوری و قانون تأمین اجتماعی، حقوق وظیفه و مستمری منحصرأ به کسانی داده می‌شود که قانون آنان را وراثت قانونی نامیده است، لذا به حقوق مستمری نباید به عنوان ترکه نگاه کرد. ظاهراً اصطلاح وراثت قانونی در برابر وراثت شرعی که مفهوم و آثار و تبعات فقهی و حقوقی خاصی دارد، اصطلاحی است که با قیود و شرایط خاصی به وسیله جعل قانون گذار، وضع و آثار خاصی بر آن مترتب شده است. نتیجه تأسیس قانون گذار این است که آنچه به وراثت قانونی می‌رسد، دقیقاً عنوان ترکه شرعی را ندارد و همه احکام ترکه بر آن بار نمی‌شود. در نتیجه، باید گفت با این کار که قانون گذار عده‌ای را از ورثه کم کرده، تأسیس جدیدی نموده است.^{۱۹} لذا حتی در صورت تلقی حقوق وظیفه و مستمری به عنوان ماترک، وجود مقتضی برای ارث بردن و اصل بودن تبعیت از قواعد ارث، در مورد فوت مستخدم همانند مانع بودن قتل از ارث، مانعی مانند تحت‌الکفاله نبودن پدر و مادر کارمند متوفی، با توجه به صراحت منطوق مواد ۸۶ قانون استخدام کشوری و ماده ۸۱ قانون تأمین اجتماعی در باب لزوم تحت‌الکفاله بودن پدر و مادر متوفی جهت برخورداری از حقوق وظیفه و یا مستمری^{۲۰}، می‌تواند مانع تأثیر مقتضی و ارث بردن برخی شده، تعداد آنها را کم کند.

۱۸. حسین آینه نگینی، گزارش کارشناسی پرونده‌های دیوان عدالت اداری، پژوهشکده شورای نگهبان، شماره گزارش: ۹۷۰۲۰۱۹ به تاریخ ۱۳۹۷/۲/۲۳، ص ۸.

۱۹. حمید مسجدسرائی و مصطفی جباری، پیشین، ص ۱۳۵.

۲۰. دادنامه شماره ۳۷۵ مورخ ۱۳۸۲/۹/۲۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.

لذا در این مورد قوانین خاصی وجود دارد که نحوه پرداخت حقوق وظیفه را مشخص نموده است؛ از جمله مواد ۸۱ تا ۸۷ قانون استخدام کشوری، قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری^{۲۱} و نیز ماده ۸۳ قانون تأمین اجتماعی. از نظر قانونی طبق قوانین خاص و مورد استناد، حکم موضوع کاملاً روشن بوده، مصرف آن تابع مقررات دولت است^{۲۲}. ادعای مغایرت شرعی مقید نمودن برخورداری پدر و مادر از حقوق وظیفه به تحت کفالت فرد متوفی بودن و مخالفت صریح آن با قوانین و مقررات موضوعه و اینکه حقوق وظیفه جزء ماترک و متعلق به ورثه قانونی و حین الفوت است، قابل پذیرش نیست^{۲۳}.

پنجم، حقوق وظیفه را نمی‌توان حتی در حکم ترکه دانست. فقها نیز در مورد مواجب و حقوق و به اصطلاح خودشان «ارتزاق»، می‌گویند که قابل وراثت نیست^{۲۴} و آنچه را که دولت طبق مقررات از خودش به بازماندگان کارمند یا شهید می‌دهد، تابع مقررات دولت است و اختصاص پیدا می‌کند به کسی که دولت به او می‌پردازد^{۲۵}. پس اگر قانون بر چیزی تصریح کند، باید طبق آن قانون عمل شود^{۲۶}؛ مانند تصریح ماده ۸۳ قانون تأمین اجتماعی. پس به همان نحوی که پرداخت‌کنندگان هنگام پرداخت مقرر می‌کنند عمل می‌شود و این موارد جزء اموال متوفی محسوب نمی‌شود و طبق برنامه و مقررات سازمانی که آن را می‌پردازد، تقسیم می‌شود و نه طبق احکام ارث^{۲۷}.

ششم، از نظر فقهی و حقوقی نیز می‌توان گفت که وجوه پرداختی از سوی دولت به کارمند بازنشسته و یا ورثه کارمند متوفی در واقع نوع خاصی از قرارداد است که در ضمن آن، امتیاز خاصی به یکی از طرفین قرارداد (کارمند) داده می‌شود و اعتبار این شرط یا بر

۲۱. نظریه شماره ۷/۲۹۷۵ مورخ ۱۳۸۱/۴/۱۱ اداره حقوقی قوه قضاییه.

۲۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله مکارم شیرازی، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۲/۱۴.

۲۳. نامه شماره ۸۲/۳۰/۵۶۵۳ مورخ ۱۳۸۲/۸/۲۴ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام دیوان عدالت اداری.

۲۴. محمدجعفر جعفری لنگرودی، پیشین، صص ۲۵-۲۶.

۲۵. امام روح‌الله خمینی، کتاب موارث (ارث)، ج ۲، (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۹۲)، سؤالات ۱۱۲۴۶ و ۱۱۲۴۷، صص ۲-۶۲۰.

۲۶. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله سبحانی، استفتائات، سؤال ۱۵۳۱، ج ۲: ۴۸۴.

۲۷. مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، گنجینه آرای فقهی- قضایی، فتاوی آیت‌الله میرزا جواد تبریزی و آیت‌الله محمد فاضل لنگرانی، سؤال ۵۷۴۵. نقل از: <https://pasokhgo.valiasr-aj.com>

اساس ماده ۱۰ قانون مدنی است و یا به دلیل آنکه ضمن قرارداد خدمت که میان دولت و کارمند منعقد شده است، چنین شرطی به نفع ثالث (ورثه کارمند) مقرر شده که مطابق ماده ۱۹۶ قانون مدنی معتبر است و برخی از فتواها نیز مؤید این مطلب است.^{۲۸}

در واقع، این عقد و قرارداد، شبیه عقد و قرارداد بیمه است که به عنوان یک عقد مستقل قابل قبول بوده، مشمول آیه شریفه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» است و ابهاماتی که از نظر مقدار وجه پرداختی یا مانند آن وجود دارد، ضرری به آن نمی‌زند. این مسئله با تمام ویژگی‌ها و مقرراتش به صورت شرط ضمن عقد در قرارداد استخدام أخذ می‌شود و ابهاماتی که در آن وجود دارد، مانع از صحت آن نیست.^{۲۹}

بنابراین، حقوق وظیفه خارج از ماترک و مقررات قانون مدنی راجع به ارث متوفی است و وراثت مستخدم متوفی بر اساس موازین قانون مدنی تعیین نمی‌شوند، بلکه وارثان یادشده در قانون استخدام کشوری (و قانون تأمین اجتماعی) با ورثه پیش‌بینی شده در قانون مدنی یکی نیستند^{۳۰} و طبق ماده ۸۷ قانون استخدام کشوری حقوق وظیفه به صورت مساوی و طبق ماده ۸۳ قانون تأمین اجتماعی به نسبت مقرر در آن ماده به بازماندگان واجد شرایط تعلق می‌گیرد.^{۳۱}

۲.۲. پاداش پایان خدمت

طبق ماده ۱ قانون پرداخت پاداش پایان خدمت و بخشی از هزینه‌های ضروری به کارکنان دولت مصوب ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۵ (اصلاحی ۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۹)، به کارکنان رسمی و ثابت و دارای عناوین مشابه وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی مشمول قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۰، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی

۲۸. مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، گنجینه آرای فقهی- قضایی، سؤال ۵۷۴۵، نقل از: <https://pasokhgo.valiasr-aj.com>

۲۹. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله مکارم شیرازی، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۲/۱۴.

۳۰. محمد امامی و کورش، استوار سنگری، حقوق اداری، ج ۱، (تهران: نشر میزان، چ ۱۸، ۱۳۹۳)، ص ۳۲۴؛ عبدالحمید، ابوالحمید،

پیشین، ص ۲۳۷.

۳۱. نظریه شماره ۷/۴۸۳۳ مورخ ۱۳۷۵/۸/۶ اداره حقوقی قوه قضاییه

مشمول مقررات استخدامی هیئت علمی دانشگاه تهران، هنگام بازنشستگی و از کارافتادگی یا فوت در مقابل کلیه سوابق خدمت دولتی به ازای هر سال خدمت معادل یک ماه آخرین حقوق و فوق‌العاده‌های دریافتی که ملاک کسور بازنشستگی است، به‌عنوان پاداش پایان خدمت پرداخت می‌شود و خدمت مازاد بر سی سال در پرداخت پاداش موضوع این قانون قابل احتساب نخواهد بود. به‌موجب حکم تبصره ۲ ماده یادشده، در صورت فوت مستخدم، پاداش موضوع این ماده به وراثت قانونی مستخدم متوفی موضوع ماده ۸۶ قانون استخدام کشوری تعلق می‌گیرد. افراد موضوع ماده ۸۶ قانون استخدام کشوری عبارت‌اند از عائله تحت تکفل مستخدم که بعد از فوت وی، مستمری‌بگیر مستخدم متوفی محسوب می‌شوند.

در ماده ۲۴ قانون کار، معادل پاداش پایان خدمت، مزایای پایان کار، حق سنوات و مزایای پایان خدمت به‌کار رفته و اصطلاحاً میلی است که در پایان هر سال یا پایان هر قرارداد، از طرف کارفرما به کارگران مشمول قانون کار پرداخت می‌گردد. در مواردی که پایان قرارداد به دلیل فوت کارگر باشد، به‌موجب ماده ۲۲ قانون کار، حق سنوات وی به وراثت قابل پرداخت است. همچنین با توجه به ماده ۳۱ قانون کار، بازنشستگان تأمین اجتماعی در هنگام بازنشستگی حق سنوات دوره کاری خود را دریافت می‌نمایند.

سؤال این است که پاداش پایان خدمت یا مزایای پایان کار قابل پرداخت به بازماندگان در صورت فوت مستخدم یا کارگر، جنبه ارث و ماترک دارد یا خیر؟

برخی حقوق‌دانان استدلال کرده‌اند حقوقی که به‌عنوان پاداش خدمت در یک بار به مستخدم تعلق می‌گیرد و بعد از فوت به وارثان کارگران و کارمندان پرداخت می‌شود، جزء ماترک است^{۳۳} و بنابر احکام شرع اسلام و مقررات قانون مدنی، وراثت قانونی به عائله تحت تکفل و مستمری‌بگیران محدود نشده، حسب مورد، سایر اشخاصی را که به‌موجب نسب و یا سبب ارث می‌برند شامل می‌گردد.

طبق این استدلال، در صورت فوت مستخدم، پاداش خدمت جزء ماترک وی محسوب می‌شود و کلیه وراثت شرعی و قانونی متوفی اعم از عائله تحت تکفل و سایر ورثه (فرزندانی که از کفالت خارج شده‌اند و پدر و مادر در صورت بودن در قید حیات و در صورت فقدان

۳۳. ناصر کاتوزیان، پیشین، ص ۱۳۰.

وراث طبقه اول، افراد از طبقات بعدی) از پاداش پایان خدمت سهم خواهند داشت و مقید کردن عنوان وارث قانونی در تبصره ۲ ماده از صدرالذکر به افراد موضوع ماده ۸۶ قانون استخدام کشوری، خلاف موازین شرع است.^{۳۳}

در رد این استدلال باید گفت که پاداش پایان خدمت، موضوع تبصره ۲ ماده ۱ قانون پرداخت پاداش پایان خدمت و بخشی از هزینه‌های ضروری به کارکنان دولت و وراث قانونی مستخدم متوفی، موضوع ماده ۸۶ قانون استخدام کشوری، با توجه به اینکه در ماده ۱ این قانون مبلغی است که راساً از طرف دولت پرداخت می‌شود و ملک مستخدم نیست، بنابراین، جزء ترکه وی محسوب نمی‌گردد تا لازم باشد به ورثه شرعی‌اش پرداخت شود، و پرداخت آن به وراث متوفای یادشده در ماده ۸۶ قانون استخدامی کشور طبق تبصره ۲ آن، خلاف موازین شرع نیست^{۳۴} و در هر حال، جزء ترکه نخواهد بود^{۳۵} تا مشمول مقررات خاص آن باشد.^{۳۶} با عنایت به اینکه تعلق پاداش یادشده به ورثه داخل در ترکه قرار نگرفته است و این تعلق مستقیماً صورت می‌پذیرد، بنابراین از شمول ماترک مستخدم متوفی و احکام مربوط به آن، خارج است.^{۳۷}

طبق رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و نیز به موجب تبصره ۲ ماده ۱ قانون پرداخت پاداش پایان خدمت و بخشی از هزینه‌های ضروری به کارکنان دولت، پاداش پایان خدمت به وراث قانونی موضوع ماده ۸۶ قانون استخدام کشوری تعلق می‌گیرد و در ماده ۸۶ قانون استخدام کشوری، مادر و پدری که در کفالت متوفی بوده‌اند از جمله وراث قانونی شناسایی شده‌اند؛ بنابراین برای اینکه والدین شهدا استحقاق دریافت پاداش پایان خدمت را داشته باشند، مستلزم این است که قبلاً تحت کفالت شهید قرار گرفته باشند.^{۳۸}

به‌طور کلی آنچه به‌عنوان طلب زمان حیات کارمند متوفی و کارگر به ورثه‌اش تعلق

۳۳. سؤال وزیر دفاع از شورای نگهبان طی نامه شماره ۱۰-۱۰۷/۱۱-۱۰-۲۴۱۰۵ به تاریخ ۱۳۹۰/۰۹/۲۰.

۳۴. پاسخ شورای نگهبان طی نامه شماره ۴۶۸۳۸/۳۰/۹۱ در تاریخ ۹۱/۳/۷ به سؤال وزیر دفاع.

۳۵. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله سبحانی، استفتانات، سؤال ۱۴۹۷، ج ۲، ص ۴۷۴.

۳۶. نظریات شماره ۷/۳۴۷۹ مورخ ۱۳۸۰/۴/۱۷ و شماره ۷/۹۸/۱۲۱۳ مورخ ۷/۹/۱۱ مورخ ۱۳۹۸/۹/۱۱ اداره حقوقی قوه قضاییه.

۳۷. نظریه شماره ۹۷/۷/۱۰۶۷ مورخ ۱۳۹۷/۴/۱۶ اداره حقوقی قوه قضاییه.

۳۸. دادنامه شماره ۳۴۸ به تاریخ ۱۳۹۴/۳/۲۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.

می‌گیرد، جزء ماترک او محسوب می‌شود، مانند طلب کارمند متوفی بابت پاداش آخر سال (عیدی) و طبق مقررات ارث باید به ورثه وی پرداخت شود، لکن ممکن است بخشی از ماترک، وفق تصمیم قانون‌گذار، تحت شرایطی به ورثه پرداخت شود، مانند پاداش پایان خدمت موضوع قانون پرداخت پاداش پایان خدمت و بخشی از هزینه‌های ضروری به کارمندان دولت که طبق تبصره ۲ قانون یادشده با رعایت شرایط مقرر در ماده ۸۶ قانون استخدام کشوری به وراث قانونی مستخدم متوفی قابل پرداخت است. با توجه به تبصره ۲ ماده ۱ قانون پرداخت پاداش پایان خدمت و بخشی از هزینه‌های ضروری به کارکنان دولت، در صورت فوت مستخدم، پاداش موضوع این ماده (پاداش پایان خدمت) به وراث قانونی مستخدم متوفی، موضوع ماده ۸۶ قانون استخدام کشوری تعلق می‌گیرد، با عنایت به اینکه تعلق پاداش یادشده به ورثه داخل در ترکه قرار نگرفته است و این تعلق مستقیماً صورت می‌پذیرد؛ بنابراین از شمول ماترک مستخدم متوفی و احکام مربوط به آن خارج است و در قالب بدهی مهریه قابل توقیف نخواهد بود.^{۳۹}

بنابراین، با لحاظ تعیین و احصای ورثه قانونی مستخدم متوفی در ماده ۸۶ قانون استخدام کشوری و عدم تعلق پاداش پایان خدمت به ورثه خارج از شمول ماده ۸۶ قانون یادشده و خروج آن از شمول ماترک مستخدم متوفی و مقررات ارث، پاداش پایان خدمت بین ورثه قانونی مستخدم متوفی به نسبت مساوی تقسیم می‌شود و نه بر اساس مقررات و احکام قاعده ارث که دارای مقررات ویژه‌ای است.

۳.۲. بیمه عمر

بیمه عمر عبارت است از قراردادی که به موجب آن بیمه‌گر در برابر دریافت حق بیمه متعهد می‌شود که در صورت فوت شخص بیمه‌شده یا در صورت زنده ماندن بیمه‌شده، در سررسید مشخص در قرارداد، مبلغ بیمه تعیین شده را به بیمه‌گذار (بیمه‌شده) یا استفاده‌کننده معین از سوی او بپردازد. سرمایه بیمه عمر پس از فوت بیمه‌گذار، به ورثه یا شخص ثالثی تعلق دارد که در سند بیمه از او نام برده شده است. طبق ماده ۲۴ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶:

۳۹. نظریات شماره ۷/۹۸/۱۳۳۹ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۲، شماره ۷/۸۱۱۲ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۸ و شماره ۷/۷۳۲ مورخ ۱۳۸۴/۲/۱۱ اداره حقوقی قوه قضاییه.

وجه بیمه عمر که باید بعد از فوت پرداخت شود، به ورثه قانونی متوفی داده می‌شود، مگر اینکه در موقع عقد بیمه یا بعد از آن در سند بیمه قید دیگری شده باشد که در این صورت وجه بیمه متعلق به کسی خواهد بود که در سند بیمه نام برده شده است.

طبق ماده ۲۴ قانون بیمه، در مورد پرداخت وجه بیمه به شخص یا اشخاص ثالث (ورثه یا غیر آنان)، باید بین دو حالت تفکیک قائل شد. در صورتی که بیمه‌گذار، ذی‌نفع یا ذی‌نفعان و نحوه تقسیم وجه بیمه عمر بین ذی‌نفعان را در قرارداد بیمه مشخص کرده باشد، در این صورت وجه بیمه متعلق به ذی‌نفع یا ذی‌نفعانی خواهد بود که در سند بیمه اسم برده شده است و تقسیم آن بین ذی‌نفعان تابع شرایط موردنظر بیمه‌گذار است که می‌تواند بر اساس احکام ارث یا به صورت مساوی یا با سهم‌های معین باشد. در صورتی که نحوه تقسیم وجه بیمه عمر بین ذی‌نفعان تعیین شده در قرارداد بیمه مشخص نشده باشد، سرمایه بیمه‌نامه به استناد اصل تقسیم به تساوی، به صورت مساوی بین ذی‌نفعان مندرج در قرارداد بیمه تقسیم خواهد شد، نه بر اساس قواعد و قوانین مربوط به ارث. زیرا در این صورت، وجه بیمه به ترکه نمی‌پیوندد، هرچند ذی‌نفع معین از وارثان باشد؛ چراکه قرارداد بیمه تصرفی است که در زمان حیات واقع شده و بر طبق مفاد قرارداد و منظور بیمه‌گذار، تعهد بیمه‌گر به‌طور مستقیم به سود شخص یا اشخاص معین (ثالث) است و بعد از مرگ نیز بی‌واسطه به دارایی آنان می‌پیوندد و وارثان و طلبکاران و موصی‌له حتی بر آن ندارند و سهم آنان تابع آخرین اراده بیمه‌گذار است نه قانون، و هرگاه سهم هرکدام معین نشود، همه برابرند^{۴۰} و وجه بیمه طبق قواعد ارث و مواد قانون مدنی تقسیم نمی‌شود، بلکه پس از فوت بیمه‌گذار بایستی به شخص یا اشخاص ثالث (ورثه یا غیر آنان) پرداخت گردد. به همین دلیل، طبق بند ۱ ماده ۲۴ قانون مالیات‌های مستقیم، اصلاحی ۳۱ تیر ۱۳۹۴، به وجوه پرداختی از سوی مؤسسات بیمه یا بیمه‌گذار و یا کارفرما از قبیل انواع بیمه‌های عمر و زندگی، خسارت فوت و همچنین دیه و مانند آن‌ها که حسب مورد یکجا و یا به‌طور مستمر به ورثه متوفی پرداخت می‌گردد، مالیات بر ارث تعلق نمی‌گیرد.

اگر در موقع عقد بیمه یا بعد از آن در سند بیمه از کسی نام برده نشده باشد، طبق ماده

۲۴ قانون بیمه، وجه بیمه عمر که باید بعد از فوت پرداخت شود، به ورثه قانونی متوفی داده می‌شود. در این فرض، در مورد تقسیم وجه بیمه عمر بین ورثه به نسبت مساوی یا بر طبق قواعد ارث، دو نوع استنباط متفاوت وجود دارد.

ممکن است استدلال شود که اگر در موقع عقد بیمه یا بعد از آن در سند بیمه از کسی اسم برده نشده باشد، وجه بیمه عمر به دارایی متوفی افزوده می‌شود و طلبکاران نیز می‌توانند از محل آن استفاده کنند. سهم هریک از وارثان را نیز قانون معین می‌کند. ماده ۲۴ قانون بیمه نیز این تحلیل را به‌طور ضمنی در مفاد خود آورده است.^{۴۱} لذا در مورد سرمایه بیمه عمر، هرگاه قرارداد به‌طور مطلق تنظیم شده باشد، با توجه به اطلاق ماده ۲۴ قانون بیمه، چون این حق به ورثه قانونی تعلق خواهد گرفت، رعایت قاعده ارث الزامی است. لکن اگر در قرارداد بیمه ترتیب خاصی پیش‌بینی شده باشد باید وفق قرارداد عمل شود.^{۴۲}

در پاسخ می‌توان استدلال کرد که ماده ۲۴ قانون بیمه، حکمی در مورد نحوه تقسیم وجه بیمه عمر بین ورثه قانونی متوفی ندارد. باید گفت که به‌طور کلی آنچه که به‌عنوان طلب زمان حیات کارمند یا کارگر متوفی محسوب می‌شود، جزء ماترک او محسوب می‌گردد و لذا مطابق قانون مدنی باید به ورثه‌اش پرداخت شود؛ مانند کارانه، اضافه‌کار، تفاوت حکم تطبیق حقوقی و مانده مرخصی. اما آنچه به مناسبت فوت کارمند و به‌واسطه رابطه استخدامی او به دیگران تعلق می‌گیرد، نظیر پرداخت مستمری‌ها که درباره ورثه و افراد تحت تکفل او برقرار می‌شود، با رعایت شرایط مقرر در ماده ۸۶ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵ و اصلاحات و الحاقات بعدی و نیز ماده ۸۳ قانون تأمین اجتماعی، باید به بازماندگان واجد شرایط متوفی پرداخت گردد و از شمول مقررات ارث یادشده در قانون مدنی خارج است. در خصوص بیمه عمر نیز مطابق ماده ۲۴ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶، وجه مربوط که باید بعد از فوت پرداخت شود، به ورثه قانونی متوفی که مطابق مقررات قانون مدنی تعیین می‌گردد، باید پرداخت شود؛ مگر اینکه در موقع انعقاد عقد بیمه یا بعد از آن به ترتیب

۴۱. همان، ص ۱۳۰.

۴۲. نظریه شماره ۷/۴۱۰۰ مورخ ۱۳۵۹/۹/۲۳ اداره حقوقی قضاییه. البته در نظریات مؤخر، اداره حقوقی قضاییه از این نظریه عدول کرده و وجه بیمه عمر را جزء ماترک نمی‌داند که در مباحث بعدی به آن اشاره خواهد شد.

دیگری تعیین شده باشد که در این صورت، وجه مربوط به کسی که در عقد بیمه ذکر شده، قابل پرداخت است.^{۴۳} پس این مورد هم جزء ترکه محسوب نمی‌شود و در نتیجه، طبق بند ۱ ماده ۲۴ قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی ۱۳۹۴، به وجوه پرداختی از سوی مؤسسات بیمه یا بیمه‌گذار و یا کارفرما از قبیل انواع بیمه‌های عمر و زندگی، خسارت فوت و همچنین دیه و مانند آن‌ها که حسب مورد یکجا و یا به‌طور مستمر به ورثه متوفی پرداخت می‌گردد، مالیات بر ارث تعلق نمی‌گیرد و در صورت تعدد ورثه، سرمایه بیمه‌نامه با استناد به اصل تقسیم به تساوی، به صورت یکسان بین آنان تقسیم خواهد شد.^{۴۴} در این صورت نیز قانون بیمه از احکام ارث پیروی نمی‌کند و سرمایه بیمه جزء ماترک بیمه‌شده یا بیمه‌گذار نیست. بنابراین، بستانکاران متوفی هیچ‌گونه حقی نسبت به آن ندارند، لذا وجه بیمه عمر جزء ترکه نیست.^{۴۵}

به عبارت دیگر، سرمایه حاصل از بیمه عمر، ترکه متوفی به معنای خاص نیست که طبق ماده ۸۶۲ و ۹۴۰ به بعد قانون مدنی و قواعد مندرج در این قانون تقسیم شود، بلکه تأسیس حقوقی خاص و حقی است که طبق قانون بیمه پس از فوت بیمه‌گذار باید به شخص یا اشخاص ثالثی که در بستن پیمان هیچ‌گونه نقشی نداشته‌اند، پرداخت گردد که این افراد ممکن است ورثه یا غیر از آنان باشند. به این ترتیب، سرمایه بیمه عمر به نسبت مساوی بین صاحبان حق تقسیم می‌شود، مگر آنکه بیمه‌شده به نحو دیگری درخواست مقرر کرده باشد. اگر در قرارداد بیمه عمر راجع به اینکه ذی‌نفع چه کسی است، سکوت شده باشد، ناگزیر سرمایه یادشده به ورثه قانونی بیمه‌شده (آن‌هم به نسبت مساوی) تقسیم می‌شود، نه به‌موجب مقررات تقسیم ارث که دارای مقررات ویژه‌ای است و قابلیت شمول به‌غیر مورد ارث ندارد. در پاسخ به این استدلال هم که وجه بیمه عمر نیز مانند دیه باید طبق قواعد ارث تقسیم شود، می‌توان گفت دلیل تقسیم دیه طبق قواعد ارث وجود دلیل خاص در این مورد است و چون در این مورد دلیل خاصی نداریم، باید طبق اصل عدم

۴۳. نظریه شماره ۷/۹۸/۱۲۱۳ مورخ ۱۳۹۸/۹/۱۱ اداره حقوقی قوه قضاییه.

۴۴. نظریه شماره ۷/۳۷۵/۶/۱۳ مورخ ۱۳۷۵/۶/۱۳ اداره حقوقی قوه قضاییه.

۴۵. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله سبحانی، استفتانات، سؤال ۱۴۹۸، ج ۲، ص ۴۷۴.

ترجیح بلامرجح، وجه بیمه عمر به تساوی تقسیم شود.^{۴۶}

همچنین، در این باره می‌توان به موضوع شکایت و خواسته ابطال بند ۱-۷ دستورالعمل صندوق تأمین آتیه کارکنان صنعت نفت و بند ۴ مجموعه مقررات اداری و استخدامی کارمندان شرکت نفت در دیوان عدالت اداری اشاره و استناد کرد. با این توضیح که وزارت نفت صندوقی را تحت عنوان «صندوق تأمین آتیه کارکنان صنعت نفت» ایجاد کرده و ماهانه از کارکنان و بازنشستگان خود مبالغی را دریافت می‌کند و در صورت وقوع حوادث، از کارافتادگی یا فوت آنها، مبالغی را به اشخاص معین می‌پردازد. در دستورالعمل مربوطه مقرر شده است که در صورت فوت شخص، وجوه یادشده صرفاً به والدین تحت تکفل وی و همسر و فرزندان او پرداخت می‌شود و این وجوه نیز جزء ماترک او محسوب نمی‌شود؛ هرچند طبق قواعد ارث میان آنها تقسیم می‌شود. شکی معتقد است حصر ذی‌نفعان قانونی در موارد پیش‌گفته و عدم احتساب وجوه یادشده به‌عنوان ماترک، مغایر موازین شرعی و قانونی است.

طبق رأی هیئت تخصصی اداری و امور عمومی دیوان عدالت اداری، بند ۱-۷ دستورالعمل صندوق تأمین آتیه کارکنان صنعت نفت و بند ۴ مجموعه مقررات اداری و استخدامی کارمندان شرکت نفت که مورد شکایت قرار گرفته‌اند، با توجه به اینکه مستند به ماده ۲۴ قانون بیمه کشور که مقرر داشته است، اگر در هنگام عقد بیمه یا بعد از آن قید شده باشد که حق بیمه به افراد خاصی پرداخت گردد، به مفاد قرارداد عمل خواهد شد، حتی اگر جزء ورثه نباشند. مستفاد از نظریه شماره ۹۸/۱۰۲/۱۱۰۹۰ مورخ ۲۷ تیر ۱۳۹۸ شورای محترم نگهبان مبنی بر اینکه صندوق یادشده اگر بر اساس قرارداد فی‌مابین خود و مشارکین عمل نماید، خلاف شرع نیست و پرداخت حق بیمه ارتباطی به ارث و وصیت ندارد و تابع قرارداد طرفین است و در قسمت‌های مورد شکایت خلاف موازین قانونی و خارج از حدود اختیارات قانونی نبوده و رأی به رد شکایت صادر شده است.^{۴۷}

در اصطلاح حقوقی، ماترک یا ترکه به اموالی اطلاق می‌شود که حین الفوت جزء دارایی متوفی محسوب و موجود باشد؛ بنابراین غرامت ناشی از فوت که پس از فوت متوفی تحقق

۴۶. گزارش کارشناسی شماره ۲۵۸ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱ مرکز پژوهش‌های مجلس درباره طرح استفساریه ماده ۲۴ قانون بیمه، ص ۲.

۴۷. دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۷۵۹ مورخ ۹۸/۱۰/۳۰ هیئت تخصصی اداری و امور عمومی دیوان عدالت اداری.

می‌یابد، جزء ماترک نبوده، خارج از شمول مقررات مربوط به ارث است. فقط دیه از این اصل مستثنی و طبق فتوای فقها جزء ماترک است. بنابراین، چنانچه ترتیب خاصی برای تقسیم غرامت در قرارداد بیمه مقرر شده باشد بایستی طبق قرارداد عمل شود؛ در غیر این صورت وجه یادشده به تساوی بین وراثت تقسیم خواهد شد و دیون متوفی از این محل قابل پرداخت نیست.^{۴۸}

نتیجه اینکه وجه ناشی از بیمه عمر در صورتی که نحوه تقسیم آن به وسیله بیمه‌گذار مشخص نشده باشد، به تساوی بین ورثه تقسیم می‌شود. در این خصوص باید گفت، وجه ناشی از بیمه عمر، ترکه به معنای خاص نیست که طبق مقررات مربوط به ارث تقسیم شود، بلکه نوعی تعهد به نفع ثالث است که زمان اجرای آن، پس از فوت بیمه‌گذار تعیین شده است و این مبلغ جزء اموال متوفی به حساب نمی‌آید. لذا تقسیم آن تابع قواعد ارث نیست و تابع اراده بیمه‌گذار است و اگر بیمه‌گذار نحوه تقسیم را مشخص نکرده باشد باید به تساوی بین وراثت تقسیم شود، زیرا ترجیح هر یک از وراثت بر دیگری ترجیح بالامرجح، بی‌دلیل و باطل خواهد بود.^{۴۹} بنابراین، موضوع بیمه عمر ارتباطی با وصیت و ارث نداشته، تابع قرارداد طرفین است.

۴.۲. سایر وجوه پرداختی

علاوه بر حقوق وظیفه، پاداش پایان خدمت و وجه بیمه عمر، ممکن است وجوه دیگری نیز به بازماندگان مستخدم متوفی تعلق گیرد. ماهیت این وجوه برحسب اینکه به‌عنوان مطالبات کارمند یا کارگر تا زمان فوت بوده و یا به مناسبت فوت او طبق قانون به ورثه یا افراد تحت تکفل او پرداخت می‌شود، متفاوت است که وضعیت آنها بررسی می‌شود.

۴.۲.۱. پاداش آخر سال (عیدی)

طبق ماده واحده قانون نحوه پرداخت عیدی به کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۴: دولت

۴۸. نظریات ۷/۱۵۷۱ مورخ ۱۳۷۳/۷/۲۴ و ۷/۵۲۶۶ مورخ ۱۳۸۴/۷/۲۵ و ۷/۷۷۷۱۴ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۱۴ و ۷/۶۶۶۱ مورخ ۱۳۸۲/۸/۱۲ و ۷/۵۸۱۳ مورخ ۱۳۷۶/۸/۲۹ اداره حقوقی قوه قضاییه.

۴۹. گزارش کارشناسی شماره ۲۵۸ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱ مرکز پژوهش‌های مجلس درباره طرح استفساریه ماده ۲۴ قانون بیمه، پیوست مخصوص صحن علنی مجلس، ۹۱/۱۰/۱۹، ص ۲.

موظف است اعتباری که هر ساله برای پرداخت عیدی به کارکنان خود تخصیص می‌دهد، اعم از نقدی یا غیرنقدی، به‌طور مساوی به کلیه کارکنان خود پرداخت نماید. در مورد پاداش آخر سال (عیدی)، موضوع ماده واحده قانون نحوه پرداخت عیدی به کارکنان دولت، باید بین عیدی پرداختی به خود کارمند و ورثه یا افراد تحت تکفل او تفکیک قائل شد. عیدی پرداختی به خود کارمند متوفی به‌عنوان طلب، جزء ماترک اوست و طبق مقررات ارث باید به ورثه وی پرداخت شود، ولی پاداش پایان سال (عیدی) که به مناسبت فوت او طبق قانون درباره وظیفه‌بگیران یا مستمری‌بگیران برقرار می‌شود، جزء ماترک او محسوب نمی‌شود و از شمول مقررات ارث خارج است.^{۵۰}

۲.۴.۲. هزینه عائله‌مندی و اولاد

بر اساس بندهای ۱ و ۲ ماده ۹ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳ شهریور ۱۳۷۰، با اصلاحات و الحاقات بعدی، کمک هزینه عائله‌مندی کارکنان شاغل، از کارافتاده و یا بازنشسته، در صورت فوت، به همسر دائمی آنها مادامی که در قید حیات باشند و کمک هزینه اولاد به فرزندان مستخدمان متوفی که کمتر از ۲۰ سال سن دارند، پرداخت می‌شود. حداکثر سن برای اولادی که از مزایای این ماده استفاده می‌کنند، به شرط ادامه تحصیل و ارائه گواهی مربوط، ۲۵ سال تمام برای اولاد ذکور و زمان ازدواج برای اولاد اناث خواهد بود. به مستخدمان یادشده، همچنین مستخدمان متوفی که فرزند آنان معلول بوده و قادر به کار نباشند، کمک هزینه اولاد- بدون لحاظ شرایط پیش‌بینی شده- قابل پرداخت است. کمک هزینه عائله‌مندی و اولاد که بعد از فوت کارمند و به مناسبت فوت او طبق قانون درباره ورثه یا افراد تحت تکفل او برقرار می‌شود، از شمول مقررات ارث خارج است.^{۵۱}

۲.۴.۳. وجوه اضافه‌کار

با توجه به بند «الف» ماده ۳۹ قانون استخدام کشوری، فوق‌العاده اضافه‌کار منحصرأ به مستخدمانی که علاوه بر ساعات کار اداری با دستور کتبی مقام صلاحیت‌دار کار اضافی

۵۰. نظریات شماره ۷/۷۳۲ مورخ ۱۳۸۴/۲/۱۱ و ۷/۸۱۱۲ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۸ اداره حقوقی قوه قضاییه.

۵۱. نظریه شماره ۷/۸۱۱۲ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۸ اداره حقوقی قوه قضاییه.

انجام دهند، پرداخت می‌شود. وجوه اضافه‌کار به‌عنوان طلب زمان حیات کارمند متوفی محسوب و جزء ماترک او محسوب می‌گردد و به مناسبت فوت کارمند و به‌واسطه رابطه استخدامی او به دیگران تعلق نمی‌گیرد تا با رعایت شرایط مقرر در ماده ۸۶ قانون استخدام کشوری و مطابق قانون مدنی باید به ورثه‌اش پرداخت شود.^{۵۲}

۲.۴.۴. فوق‌العاده حق مأموریت

طبق ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری، علاوه بر حقوق ثابت، یکی از فوق‌العاده‌هایی که برابر بند ۷ ماده یادشده به کارمندان قابل پرداخت است، فوق‌العاده مأموریت روزانه داخل و خارج از کشور است که با تصویب هیئت وزیران به کارمندان داده خواهد شد. فوق‌العاده حق مأموریت به‌عنوان طلب زمان حیات کارمند متوفی و جزء ماترک او محسوب می‌شود و لذا مطابق قانون مدنی باید به ورثه‌اش پرداخت گردد.

۲.۴.۵. وجوه مرخصی‌های استحقاقی ذخیره‌شده

حسب ماده ۸۴ قانون مدیریت خدمات کشوری، کارمندان دستگاه‌های اجرایی سالی سی روز حق مرخصی کاری با استفاده از حقوق و مزایای مربوط را دارند. حداکثر نیمی از مرخصی کارمندان در هر سال قابل ذخیره شدن است. برابر ماده ۱۹ آیین‌نامه مرخصی‌ها موضوع ماده ۸۴ قانون مدیریت خدمات کشوری و تبصره‌های آن، چنانچه کارمند فوت شود و مرخصی استحقاقی ذخیره‌شده داشته باشد، علاوه بر حقوق ثابت و فوق‌العاده‌های مستمر ماده ۶۸ بابت مرخصی‌های ذخیره‌شده به وراث قانونی وی پرداخت می‌شود.

ممکن است استدلال شود که وجوه مرخصی‌های استحقاقی ذخیره‌شده با رعایت ماده ۸۷ قانون استخدام کشوری، باید به تساوی بین وراث قانونی مستخدم تقسیم شود، لکن وجوه مربوط به ذخیره مرخصی استحقاقی استفاده‌نشده جزء مطالبات کارمند و کارگر متوفی خواهد بود و با لحاظ ماده ۱۰۷ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ و ماده ۸۶۸ قانون مدنی، وجوه یادشده داخل در ماترک بوده و باید طبق قوانین و مقررات مربوط به ارث بین وراث تقسیم گردد و دیون متوفی (اعم از مهریه و بدهی به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری

۵۲. نظریه ۷/۹۸/۱۲۱۳ مورخ ۱۳۹۸/۹/۱۱ اداره حقوقی قوه قضاییه.

و ادارات رفاه) از محل ماترک، وفق مقررات قابل تأدیه است.^{۵۳}

۲.۴.۶. کمک‌هزینه فوت و اعانه پرداخت‌شده به اولاد صغیر

طبق ماده ۳ قانون پرداخت پاداش پایان خدمت و بخشی از هزینه‌های ضروری به کارکنان دولت مصوب ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۵، به کارکنان موضوع ماده ۱ قانون (کارکنان رسمی و ثابت و دارای عناوین مشابه) یا ورثه بلافصل آنان، در مورد فوت مستخدم و افراد تحت تکفل وی، مبلغی به‌عنوان کمک‌هزینه فوت پرداخت می‌شود. اگر مستخدم فوت کند و از طرف سازمان متبوع مبلغی بابت هزینه‌های مجالس ترحیم و هفت و غیره به حساب متوفی واریز شود، آیا این مبلغ معین جزء مایملک است یا نه؟ قاعدتاً کمک هزینه فوت و اعانه پرداخت‌شده به اولاد صغیر، به مناسبت فوت کارمند و به‌واسطه رابطه استخدامی او به دیگران تعلق می‌گیرد و باید با رعایت شرایط مقرر در ماده ۸۶ قانون استخدام کشوری پرداخت گردد و از شمول مقررات ارث یادشده در قانون مدنی خارج است. لذا این مبلغ اگر به‌منظور کمک به ورثه داده می‌شود، ولو به داعی صرف در امور پیش‌گفته، از آن ورثه است.^{۵۴}

همچنین، وجوه کمک و اعانه پرداخت‌شده به اولاد صغیر متوفی جزء ماترک محسوب نمی‌شود که طلبکاران بتوانند به‌عنوان طلب خود استیفا نمایند، زیرا ماترک از مصادیق اموالی است که متوفی در زمان حیات خود مالک آن باشد؛ در صورتی که پرداخت کمک و اعانه بعد از فوت متوفی واصل شده باشد، جزء ماترک نیست و نمی‌توان گفت که چون وراثت آن وجوه را قبول و دریافت کرده‌اند به معنی قبول ترکه است و لذا مسئول پرداخت دیون مورث خود تا میزان وجوه دریافتی هستند.^{۵۵}

۲.۴.۷. پاداش

طبق ماده ۴۱ قانون استخدام کشوری، وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مشمول این قانون می‌توانند به مستخدمانی که منشأ خدمات برجسته شوند، پاداش پرداخت کنند. جمع

۵۳. نظریات شماره ۷/۵۲۶۶ مورخ ۱۳۸۴/۷/۲۵ و شماره ۷/۹۸/۱۳۳۹ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۲ اداره حقوقی قوه قضاییه.

۵۴. روح‌الله خمینی، پیشین، ص ۶۱۸.

۵۵. نظریه شماره ۷/۵۶۲۳ مورخ ۱۳۸۰/۹/۱۷ اداره حقوقی قوه قضاییه.

پاداش‌های پرداختی به یک مستخدم در هر سال نباید از یک برابر مجموع حقوق و مزایای یک ماه او تجاوز کند، ولی با تصویب هیئت وزیران تا دو برابر مجموع حقوق و مزایای یک ماه مجاز خواهد بود. وجوه مربوط به پاداش، به‌عنوان طلب زمان حیات کارمند متوفی محسوب و جزء ماترک او دانسته می‌شود؛ لذا مطابق قانون مدنی باید به ورثه او پرداخت گردد.

نتیجه

اگر وجوه پرداختی به‌عنوان مطالبات کارمند یا کارگر تا زمان فوت او باشد، از جمله حقوق مالی شمرده می‌شود که جزئی از ترکه حین فوت است و باید طبق مقررات مربوط به ارث، بین وراثت تقسیم شده، مشمول مقررات ارث می‌شود. اما آنچه بعد از فوت و به مناسبت فوت او طبق قانون درباره ورثه یا افراد تحت تکفل او برقرار می‌شود، از شمول مقررات ارث خارج است و تقسیم آن تابع شرایط پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات خاص خود خواهد بود. اصولاً آنچه به‌عنوان طلب زمان حیات، کارمند متوفی مالک آن است، جزء ماترک او محسوب می‌شود و لذا مطابق قانون مدنی و احکام ارث باید بین ورثه تقسیم گردد. اما آنچه بعد از فوت کارمند و به مناسبت فوت او طبق قانون درباره ورثه یا افراد تحت تکفل او برقرار می‌شود و کارمند متوفی در زمان حیات مالک آن نبوده است، جزء ماترک او محسوب نمی‌گردد و باید با رعایت شرایط مقرر در ماده ۸۶ قانون استخدام کشوری به وراثت پرداخت شود و از شمول مقررات قانون مدنی و احکام ارث خارج است. بر اساس این قاعده، ماهیت حقوقی وجوه پرداختی به بازماندگان مستخدم متوفی از منظر رابطه با ماترک و ارث از قرار زیر است:

۱- حقوق وظیفه که برابر مقررات مواد ۸۶ و ۸۷ قانون استخدام کشوری به بازماندگان تحت تکفل کارمند متوفی تعلق می‌گیرد، جزء ماترک متوفی نیست تا طبق مقررات ارث تقسیم شود، بلکه حقوق وظیفه خارج از ماترک متوفی و تابع مقررات استخدامی است و به‌طور مساوی به بازماندگان واجد شرایط متوفی تعلق می‌گیرد و دیون متوفی از جمله مهریه از محل آن قابل تأدیه نیست؛ مگر آنکه دین مربوط به شخص وظیفه‌بگیر باشد که در این صورت، حقوق وظیفه قابل توقیف و کسر خواهد بود.

۲- پاداش پایان خدمت در صورت فوت مستخدم، به وراث قانونی مستخدم متوفی- موضوع ماده ۸۶ قانون استخدام کشوری- تعلق می‌گیرد. تعلق پاداش یادشده به ورثه بدون ورود در ترکه و مستقیماً صورت می‌پذیرد، بنابراین از شمول ماترک مستخدم متوفی و احکام مربوط به آن خارج است و بین ورثه قانونی مستخدم متوفی به نسبت مساوی تقسیم می‌شود، نه بر اساس مقررات و احکام قاعده ارث. لذا دیون متوفی از جمله مهریه از محل آن قابل تأدیه نیست؛ مگر آنکه دین مربوط به شخص وارث باشد که در این صورت، پاداش پایان خدمت قابل توقیف و کسر خواهد بود.

۳- وجه بیمه عمر با وصیت و ارث ارتباطی ندارد و ترکه به معنای خاص نیست که طبق مقررات مربوط به ارث تقسیم شود، بلکه تابع قرارداد طرفین است. لذا دیون متوفی از جمله مهریه از محل آن قابل تأدیه نیست، مگر دیون شخص ذی‌نفع و ورثه باشد. در صورتی که نحوه تقسیم بیمه عمر از سوی بیمه‌گذار مشخص نشده باشد، به تساوی بین ورثه تقسیم می‌شود.

۴- پاداش آخر سال (عیدی)، وجوه اضافه‌کار یا تشویقی و کارانه، فوق‌العاده حق مأموریت و وجوه مرخصی‌های استحقاقی ذخیره‌شده، جزء مطالبات کارمند متوفی بوده، با لحاظ ماده ۱۰۷ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ و ماده ۸۶۸ قانون مدنی، وجوه یادشده داخل در ماترک بوده، باید طبق قوانین و مقررات مربوط به ارث بین وراث تقسیم گردد و دیون متوفی (اعم از مهریه و بدهی به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و ادارات رفاه) از محل ماترک، وفق مقررات قابل تأدیه است.

۵- هزینه عائله‌مندی و اولاد و کمک‌هزینه فوت و اعانه پرداخت‌شده به اولاد صغیر مستخدم متوفی که پس از فوت کارمند و به مناسبت فوت او طبق قانون در خصوص ورثه یا افراد تحت تکفل او برقرار می‌شود، باید با رعایت شرایط مقرر در ماده ۸۶ قانون استخدام کشوری پرداخت گردد و از شمول مقررات ارث یادشده در قانون مدنی خارج است و طلبکاران نمی‌توانند از محل آنها طلب خود از متوفی را استیفا نمایند؛ مگر آنکه دین به همسر و اولاد متوفی مربوط باشد.

منابع و مأخذ

- کتاب‌ها

۱. ابوالحمد، عبدالحمید، *حقوق اداری ایران*، ج ۲، (تهران: انتشارات طوس، چ ۸، ۱۳۸۸).
۲. امامی، حسن، *حقوق مدنی*، (کتاب‌فروشی اسلامیة، چ ۲، ۱۳۶۲).
۳. امامی، محمد و استوار سنگری، کورش، *حقوق اداری*، ج ۱، (تهران: نشر میزان، چ ۱۸، ۱۳۹۳).
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ارث*، (تهران: گنج دانش، چ ۲، ۱۳۶۹).
۵. خمینی، روح الله، *کتاب مواریث*، ج ۹، (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) استفتائات امام خمینی (س)، ۱۳۹۲).
۶. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، *حقوق اداری*، (تهران: انتشارات سمت، چاپ ۱۰، ۱۳۸۴).
۷. کاتوزیان، ناصر، *دوره مقدماتی حقوق مدنی (شفعه، وصیت، ارث)*، (تهران: نشر دادگستر، چ ۲، ۱۳۸۰).

- مقاله‌ها

۸. آیینہ نگینی، حسین، «گزارش کارشناسی پرونده‌های دیوان عدالت اداری»، *پژوهشکده شورای نگهبان*، شماره گزارش: ۹۷۰۲۰۱۹ به تاریخ ۱۳۹۷/۰۲/۲۳.
۹. قبولی درافشان، سید محمدمهدی و قبولی درافشان، سید محمدهادی، «بررسی فقهی حقوقی ترکه پس از فوت متوفی»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۷ (۱۳۹۲).
۱۰. مسجدرائی، حمید و جبّاری، مصطفی، «درآمدی بر ماهیت فقهی حقوقی مستمری»، *پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، ش ۴۹ (۱۳۹۵).

- گزارش‌ها

۱۱. گزارش کارشناسی شماره ۲۵۸ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱ مرکز پژوهش‌های مجلس درباره طرح استفساریه ماده (۲۴) قانون بیمه.
۱۲. گزارش کارشناسی شماره ۲۵۸ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱ مرکز پژوهش‌های مجلس درباره طرح

استفساریه ماده (۲۴) قانون بیمه، پیوست مخصوص صحن علنی مجلس

– اینترنتی

۱۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله سبحانی، استفتانات، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۲/۱۴
www.tohid.ir
۱۴. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله مکارم شیرازی، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۲/۱۴
http://www.makarem.ir
۱۵. پایگاه اینترنتی
https://pasokhgo.valiasr-aj.com
۱۶. پژوهشگاه قوه قضاییه
http://www.ijri.ir
۱۷. سامانه اداره کل حقوقی قوه قضاییه
edarehoquqy.eadl.ir
۱۸. سامانه دیوان عدالت اداری
https://divan-edalat.ir
۱۹. سامانه معاونت حقوقی قوه قضاییه
https://mh-gh.eadl.ir
۲۰. سامانه ملی قوانین و مقررات
http://qavanin.ir
۲۱. مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، گنجینه آرای فقهی- قضایی تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۲/۱۴
http://www.qaza.ir

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی